

علل و پیامدهای روابط فرازنشویی

زهرا اکبری^۱

چکیده

جامعه‌شناسان، کارکردهای مهم خانواده را، تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و کنترل و نظارت می‌دانند. به این موارد، باید نقش خانواده در پرورش معنوی را نیز افزود. تحولات خانواده در دهه‌های اخیر، تمام کارکردهای یاد شده را در معرض آسیب قرار داده است. در همه جوامع، به ویژه جوامع شرقی، ازدواج بر پایه قراردادی است که در آن، هر دو همسر متعهد می‌شوند نسبت به یکدیگر وفادار باشند. مسئله خیانت، زمانی رخ می‌دهد که در ازدواجی که طرفین متعهد به تک‌همسری باشند، یکی از آنها به طور مخفیانه، تعهد را نقض کند. فردی که به او خیانت شده، نه تنها اعتمادش نسبت به همسرش خدشه‌دار می‌شود، بلکه توانایی او برای درک دروغ، تکان دهنده است. تنوع‌طلبی، هوسرانی و ازدواج مجدد مرد یا زن، باعث از هم‌پاشیدگی زندگی مشترک می‌شود. مرد یا زن، به فرمان احساسات خود، با زن یا مرد دیگری ارتباط برقرار کرده و رابطه خود با همسرش را سست می‌کند. در این شرایط، عواملی مانند ثروت، موقعیت اجتماعی، مقام و زیبایی طرف مقابل، باعث گرایش به روابطی خارج از چارچوب روابط خانوادگی می‌شود.

واژگان کلیدی: فرازنشویی، خیانت، بی‌وفایی، رضایت جنسی، رابطه جنسی، روابط نامشروع.

۱. مقدمه

ازدواج، مهمترین قرارداد زندگی هر فرد است. انسان‌ها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی که از مسائل اولیه است، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی نیز از جمله عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می‌شوند. هرچند این سنت از دیرباز در تمامی فرهنگ‌های شناخته شده جهان اجرا شده است، اما در عین

۱. کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، از افغانستان.

حال، نقض پیمان ازدواج نیز همواره همراه انسان بوده است. برای بسیاری از زوج‌ها، ازدواج و روابط زناشویی، با عبارت تنها مرگ ما را از هم جدا می‌کند، آغاز می‌شود. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۱۵)

بعد از شیدایی اوایل ازدواج و پس از آنکه شور روزهای نخست فروکش می‌کند، توجه به رفاه و خوشبختی همسر، مهمترین نیروی پیونددهنده روابط زن و شوهر می‌شود. این احساسات، کم و بیش با زندگی مشترک و نقش بعدی مراقبت از فرزندان منطبق است. زن و شوهر، در هر شرایطی مانند بیماری، سلامت، آسایش، ناراحتی، ثروت و فقر، مسئول یکدیگرند و مسئولیت، معیاری فراهم می‌کند تا زن و شوهر، خود و یکدیگر را با آن بسنجند. در واقع یک ازدواج موفق، می‌تواند بسیاری از نیازهای روانی و جسمانی فرد را در یک محیط امن برآورده کند. اگرچه بعضی از زوج‌ها در آغاز زندگی مشترک، خود را نسبت به رابطه زناشویی متعهد می‌دانند، اما ممکن است میزان تعهد آنها، آنقدر نباشد که در برابر طوفان‌های ناشی از ناملایمات زندگی مقاومت کنند. به عبارت بهتر، اگرچه نخستین روزهای زندگی زن و مرد نسبت به رابطه زناشویی احساس تعهد دائم می‌کنند، ولی گاهی این تعهد، همیشگی نیست. با وجود محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی پیرامون رابطه با جنس مخالف، شواهد بیانگر این است که روابطی از این نوع، نه تنها قبل از ازدواج، بلکه در بین متأهلان و به صورت روابط خارج از ازدواج، در شهرهای بزرگ، در حال افزایش است و این امر، احتمال طلاق را افزایش داده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. رابطه

هر نوع تماس، پیوند، نسبت، قرارداد و پیمان، بین دو پدیده است، اعم از انسانی یا شیء.

۲-۲. زناشویی

بر اساس رابطه زناشویی، دو نفر با مقدماتی همچون عشق و محبت و دوست داشتن، رابطه‌ای را شروع کرده و آن را تا پایان عمر حفظ می‌کنند.

۳-۲. فرازناشویی

طبق تعریف، روابط فرازناشویی، یعنی خیانت، بی‌وفایی و روابط خارج از ازدواج. به معنای برقراری رابطه جنسی با فردی غیر از همسر. این عمل، یک حادثه آسیب‌زا و تکان‌دهنده بین فردی برای شریک زندگی آسیب دیده است، ولی متأسفانه در بسیاری از ازدواج‌ها رخ می‌دهد.

(مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۲۲)

۳. تعهد زناشویی

هر ازدواج موفق، سه رکن اساسی دارد. این ارکان عبارتند از تعهد، جاذبه و تفاهم. تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. واژه تعهد و پایبندی، به معنای تصمیمی عقلانی، مستلزم مقید بودن فرد به اعمالی خاص بوده و یا حالتی دال بر وابستگی عاطفی یا عقلانی بر ایده‌آلی مطلوب است. تعهد زناشویی، به معنای احساس و عاطفه و نیز بر پایه قصد و نیت است. در واقع تعهد زناشویی، حدی است که در آن، افراد دیدگاه بلندمدتی در مورد ازدواجشان داشته، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند، در جهت حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و حتی زمان‌هایی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست، با همسرشان می‌مانند.

بیشتر مردم بدون اینکه بدانند در حال تعهد دادن به شریک زندگی‌شان برای بقیه عمر هستند، به ازدواج گرایش می‌یابند. به همین دلیل است که زوج‌ها در طول مدت ازدواجشان، ناراحتی‌ها و اختلافات زیادی را تجربه می‌کنند. ازدواج، تعهد کامل دو نفر به یکدیگر است. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۴۲)

تحقیقات انجام‌گرفته حکایت از آن دارد که وقتی زوجین در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دو سوگرانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و رابطه با دیگران، دچار مشکل می‌شوند. این در حالی است که بی‌بندوباری جنسی، علاوه بر افزایش خطر ابتلا به امراض جنسی مانند ایدز، آسیب‌های دیگری نیز در پی خواهد داشت. یکی از مهمترین این آسیب‌ها، کاهش رضایت جنسی در زوجین است. عدم تعهد و بی‌بندوباری جنسی، با کاهش رضایت جنسی، افسردگی، شکاکیت، بالارفتن امکان جدایی و بی‌اعتمادی در رابطه مرتبط است. نکته واضح دیگر این است که رابطه جنسی، مؤلفه‌ای مهم در ازدواج بوده و نقش مهمی در رضایت زناشویی طرفین دارد. بنابراین، رضایت جنسی بر بسیاری از ابعاد زندگی زناشویی از جمله تعهد، اثر می‌گذارد. مطالعات نشان داده که بین رضایت جنسی و تعهد زناشویی، همبستگی مثبتی وجود دارد. در کل روابط فرازناشویی، یکی از دلایل عمده طلاق و از هم پاشیده شدن ازدواج است؛ زیرا این امر دربرگیرنده عناصر رفتاری مانند نیازهای نامناسب هیجانی و جنسی، فرصت‌طلبی، بی‌مسئولیتی و فریب‌کاری عمدی است که پذیرش آنها برای افرادی که به نوعی در این مسئله درگیر می‌شوند، چندان راحت نیست.

خیانت، اعتماد موجود در رابطه و سطح صمیمیت زوج‌ها را کاهش می‌دهد. برای همسران زخم‌خورده، التیام یافتن از رنج و فقدان حاصل از خیانت و اعتماد به دیگری، در رابطه جدید

دشوار است. آنها نیاز دارند درباره تنها ماندن یا وارد رابطه جدید شدن، تصمیم بگیرند. همچنین خیانت زناشویی، ابزاری است که با آن، فرد بدون اینکه به یک تخلف جنایی آشکار دست بزند، جنبه مشکل‌زا و تاریکتر شخصیت خود را نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر، تعریف روابط فرازناشویی، گسترش یافته و حوزه گسترده‌تری از رفتارها را شامل می‌شود. برای نمونه، این مقوله می‌تواند رفتارهایی مانند داشتن رابطه نامشروع، فریب دادن، آمیزش جنسی، (پورنوگرافی)، دیدن عکس، فیلم، نقاشی یا نوشته‌های شهوت‌انگیز، صمیمیت فیزیکی زیاد با فردی دیگر غیر از همسر مانند گرفتن دست‌ها و نوازش کردن و حتی صمیمیت عاطفی فراتر از روابط دوستانه معمولی با فردی غیر از همسر را در برگیرد. بنابراین، می‌توان هر رفتاری را که به نقض پیمان ازدواج میان دو نفر منجر می‌شود، تحت عنوان روابط فرازناشویی طبقه‌بندی کرد. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۱۹)

۴. انواع روابط فرازناشویی

با توجه به تعاریف مختلف خیانت، انواع مختلفی از خیانت وجود دارد که بر مبنای تجارب درمانی درمانگران، در کار با زوج‌هایی که درگیر مسئله خیانت بوده‌اند، شناخته و معرفی شده است. در یک طبقه‌بندی رایج، دو نوع خیانت معرفی شده است. خیانت جنسی و خیانت عاطفی.

۱-۴. خیانت جنسی

تصور عامه مردم از خیانت، داشتن رابطه جنسی با شخص سوم است. خیانت، یعنی ارتباط جنسی خارج از ازدواج با فرد دیگر، بدون اطلاع و یا رضایت همسر یا به عبارت دیگر آمیزش جنسی فرازناشویی. علاوه بر آمیزش جنسی، رفتارهایی مانند لمس کردن و نوازش کردن نیز می‌تواند توصیف‌کننده خیانت جنسی باشند. خیانت جنسی را به عملی مانند استمناء می‌توان بسط داد. استمناء یا خودارضایی جنسی نیز عملی دور از شأن خانواده و روابط جنسی زناشویی بوده و نوعی خیانت به همسر محسوب می‌شود. (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۶۵)

۲-۴. خیانت عاطفی

برخلاف مؤلفه‌های فیزیکی که در خیانت جنسی به کار می‌رود، خیانت عاطفی توسط مؤلفه‌های عاطفی مانند صمیمیت و دل‌بستگی عاطفی با فرد دیگر به غیر از همسر، توصیف می‌شود. خیانت عاطفی، زمانی اتفاق می‌افتد که منابعی مانند توجه، وقت و عشق رمانتیک به فرد دیگری غیر از همسر، معطوف می‌شود. از جمله نمودهای صمیمیت عاطفی، فهم، درک و همراهی و دیگر

جلوه‌های روابط نزدیک است. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۲۸)

۵. طبقه بندی روابط فرازنشویی از نظر هاروی

۱-۵. جنسی

۲-۵. احساسی

۳-۵. رابطه جنسی کوتاه مدت یکشنبه و رابطه درازمدت.

رابطه‌های کوتاه مدت، هیچ جنبه عاطفی نداشته و همیشه جنبه جنسی دارند، مخفیانه صورت می‌گیرند، هم می‌توانند دو طرفه باشند و هم یک طرفه، ولی بیشتر، یک طرفه بوده و شرکای جنسی نیز زیاد است. رابطه درازمدت، از نظر احساسی، شدید و پراز شهوت است، اما به صورت لزوم، جنسی نیست. در این رابطه، زوج‌ها ارتباطشان را ادامه می‌دهند، اما هر کدام آزادانه می‌توانند با شخص دیگری ملاقات داشته باشند.

در تعریفی دیگر، خیانت اینگونه آمده است که رفتار جنسی‌ای که با انتظارات آشکار یا ضمنی که از روابط وجود دارد، مغایر باشد. رفتار غیر جنسی که شامل بیان و طرح احساسات و افکار با فردی غیر از همسر است و نوعی مخفی‌کاری در این زمینه، مغایر با انتظاراتی است که از روابط بین زن و شوهر می‌رود. خریدهای مخفیانه برای فردی غیر از همسر، ابراز احساسات ناشی از عشق و شیفتگی رومانیک و گذراندن وقت زیاد با فردی غیر از همسر، بدون داشتن روابط جنسی با وی. (هاروی، ۱۳۹۵، ص ۴۲)

۶. عوامل گرایش به روابط فرازنشویی

۱-۶. نارضایتی از روابط عاطفی و عدم صمیمیت میان زوجین

در میان برخی از زوج‌ها به مرور زمان، نوعی جدایی عاطفی و رابطه کور به وجود می‌آید و این مسئله باعث می‌شود راحت‌تر به جدایی عاطفی تن دهند. تحریک نشدن و عدم کنجکاوی به مسائل فردی یکدیگر، موجب می‌شود که فرصت ایجاد روابط جدید جنسی و سایر روابط عاطفی و گشودن راه‌های جدید بین دو زوج پیش نیاید و در این میان، زوج‌ها برای رسیدن به روابط عاطفی مناسب و ارضای احساسات و عواطف، به روابط فرازنشویی روی می‌آورند. (جدیری، ۱۳۹۱، ص ۶۱)

۲-۶. نارضایتی از رابطه جنسی

در بین نیازهای زیستی، گزینه جنسی، آمیختگی عمیقی با نیازهای روانی دارد به طوری که

می‌توان تأثیر این خواسته را در بسیاری از ابعاد زندگی دید. از نظر لغوی، واژه رضایت جنسی، به احساس خوشایند فرد از نوع روابط جنسی گفته می‌شود. باید اشاره کرد که سطوح بالایی از رضایت جنسی، به افزایش کیفیت زندگی زناشویی منجر شده و در نتیجه آن، زندگی زناشویی ثبات پیدا می‌کند. این غریزه، تأثیر غیر قابل انکاری در زندگی زناشویی و انسجام و پایداری آن داشته و همچنین نقش سازنده، مهم و بنیادینی در سیر به سوی سلامت و تعادل روانی دارد. با داشتن این خصوصیات بارز، قابل توجه است که میل جنسی، از دیگر نیازهای زیستی فاصله گرفته و به صورت یک نیاز روحی و روانی درمی‌آید. لذت جنسی، یکی از لذات قوی انسان است که اگر برآورد نشود، ممکن است فرد را به واکنش‌های منفی که یکی از آنها برقراری رابطه نامشروع است، سوق دهد. رابطه نامشروع جنسی، از دیرباز تا کنون، یعنی از زمانی که پیوند ازدواج در جامعه مجاز شمرده شده، وجود داشته است. (جدیری، ۱۳۹۱، ص ۶۱)

در نهایت می‌توان گفت که نبود میل جنسی، ناکارآمدی جنسی مانند ناتوانی در روابط جنسی مطلوب، زودانزالی به طور مزمن، عدم تحریک‌پذیری جنسی، دیرارضا شدن و عدم توانایی در اظهار عشق جسمی و عاطفی، مسائلی هستند که بیشتر در حوزه رابطه جنسی مطرح میشوند. در این موارد، زوج‌ها به جای درمان مشکلات موجود در رابطه جنسی‌شان، به دلیل ناآگاهی یا احساس شرم و یا دلایل دیگر، مشکل را حل نشده رها کرده و نیاز خود را با ایجاد رابطه نامشروع جبران می‌کنند. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۳۶)

زن و مرد وظیفه دارند تا مرحله‌های صحیح رابطه جنسی را آموخته و به کار بگیرند. زوج هرگز نباید تصور کند با عمل فیزیکی صرف سروکار دارد. در این صورت، هم خود را از لذت عمیق جسمی و روحی محروم کرده و هم به حسن تفاهم بین خود لطمه می‌زنند. متأسفانه بسیار کم‌اند مردانی که بدانند رابطه جنسی، عملی دوسویه است و هر دو طرف باید به آن تمایل داشته و از آن لذت کافی ببرند. شوهری که هنگام رابطه جنسی فقط به فکر خود است و به خواسته‌های همسرش اهمیت نمی‌دهد، باید هر چه زودتر در رفتارش تجدید نظر کند. مرد نمی‌داند که اگر همسرش لذت لازم را نبرد، هم‌آغوشی را وظیفه‌ای اجباری می‌پندارد. در نتیجه به تدریج از رغبتش کاسته می‌شود. این وضعیت، تیغی است که نیروی جسمی و روانی هر دو طرف را تحلیل می‌برد. در نتیجه، ممکن است زن دچار سرد مزاجی شده و مرد نیز به راه‌های ناپسند کشیده شود و به طریق نامشروع تمایلاتش را ارضا کند. (کیهان‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶)

۳-۶. تنوع طلبی

عده‌ای از افراد متعقدند که انسان در طولانی مدت نمی‌تواند روابط جنسی خود را به شکل تک همسری ادامه دهد و وفاداری به همسر، عقیده‌ای غیرعادلانه و قدیمی است. بنابراین، می‌توان گفت که در بعضی موارد، چیزی که به یک رابطه فرازنشویی می‌انجامد، نیاز به تجربه شور و عشق زیاد و میل به تجربه کردن یک رابطه جنسی جدید و ممنوع است. (کیهان نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶)

۴-۶. انتقام جویی از همسر بی‌وفا

زمانی است که یکی از زوج‌ها، رابطه نامشروع داشته و زوج قربانی، برای برانگیختن حس حسادت و انتقام جویی از همسرش به رابطه نامشروع روی می‌آورد. همسری که مورد بی‌وفایی قرار می‌گیرد، احساس اجحاف شدید می‌کند. چنین احساسی، افکار مختلفی را به ذهن آورده و می‌تواند واکنش‌های متفاوتی به همراه داشته باشد که گاهی اوقات نیز افکاری در ارتباط با گرفتن انتقام و مقابله به مثل به ذهن همسری که مورد بی‌وفایی قرار گرفته، می‌رسد. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۳۹)

۵-۶. آسیب‌شناسی روابط فرازنشویی

خانواده، نخستین و بادوام‌ترین بستر رشد است که به ارتباط همه افراد خانواده با یکدیگر اشاره دارد. حقیقت مسلم آن است که خیانت، به افراد و روابط آنها صدمه می‌زند. به علاوه، تأثیرات روانشناختی خیانت، پیامدهای زیست‌شناختی مربوط به فشار روانی، خستگی و آشفتگی مزمن نیز مورد توجه است. افشای خیانت، بحرانی ناگهانی برای زوج‌هاست؛ زیرا باورهای قبلی آنان را در خصوص وفاداری، اعتماد و عشق زیر سؤال می‌برد. مشاهدات بالینی و بررسی‌های علمی نشان می‌دهند که آشکار شدن پیمان شکنی زنشویی، تأثیری مخرب، تکان دهنده و شدید بر زوج‌ها می‌گذارد. متخصصان بالینی گزارش می‌دهند که در فرد آسیب دیده از خیانت زنشویی، عواطف شدید اغلب بین احساس خشم نسبت به فرد خطاکار و احساسات درونی خجالت، افسردگی، بی‌رمقی طاقت فرسا، احساس قربانی شدن و رهاشدگی در نوسان هستند. به ویژه زوج، درمان را در حالی از شوک، ناباوری، خشم و انکار شروع می‌کند. حال اگر این رابطه به طور جبران ناپذیری خدشه دار شده باشد، علاوه بر آن، احساساتی مانند شک و بدبینی نسبت به شریکش نیز وجود خواهد داشت. (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰)

روند درمانی در بیشتر موارد، با دوره‌هایی از بی‌ثباتی همراه است و زمان زیادی نیز طول

می‌کشد. در خانواده‌های آسیب دیده از خیانت، مجموعه‌ای از تعارض‌ها، ناآرامی‌ها و تنش‌ها میان والدین ایجاد می‌شود. این اختلاف‌ها، چون ماهیت‌شان با دیگر اختلاف‌ها و درگیری‌های همسران متفاوت است، درگیری‌های شدیدتر و پردامنه‌تری را به همراه دارند. به عبارتی، آشکار شدن یک رابطه خارج ازناشویی و اختلاف‌ها و جرو بحث‌هایی که در پی آن ظاهر می‌شود، از بحث و جدل‌های عادی خانواده فراتر رفته و بسیار شدیدتر است. روابط فرازشویی، مسئله‌ای است که بنیان خانواده را زیر سؤال برده و مسائل و مشکلات جانبی دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برجسته بودن این مشکل نسبت به سایر مشکلات خانواده، باعث می‌شود که فشار ناشی از آن بر دو طرف رابطه و نیز فرزندان مضاعف باشد. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۳۰)

۷. عوامل مرتبط و مؤثر بر روابط فرازشویی

۷-۱. تفاوت‌های جنسیتی در انجام روابط فرازشویی

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان در مقایسه با زنان، به احتمال بیشتری درگیر روابط فرازشویی می‌شوند، شرکای بیشتری خارج از روابط اولیه دارند، نگرش‌های سهل‌گیرانه‌تری نسبت به رابطه جنسی خارج از رابطه اصلی دارند و نیز تمایل شدیدی برای درگیر شدن در خیانت دارند.

در پیشینه پژوهشی در خصوص روابط فرازشویی، به دست آمده که مردان، در مقایسه با زنان، گرایش و تمایل بیشتری به خیانت دارند. حتی هنگامی که عوامل فرهنگی، نژادی و جغرافیایی در نظر گرفته می‌شود، باز هم مردان، خیانت‌های بیشتری را گزارش می‌کنند. عواقب و پیامدهای اجتماعی خیانت به همسر نیز برای زنان، بیش از مردان است. این تا حدودی به این دلیل است که نحوه معاشرت مردان، حس کنجکاو جنسی و امتحان کردن آنها را برمی‌انگیزد و نتیجه این می‌شود که آنها برای داشتن تجارب جنسی تصادفی با شرکای بسیاری تقویت می‌شوند در حالی که زنان، برای ایجاد روابط تعهددار، معاشرت می‌کنند. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۶)

۷-۲. ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در روابط فرازشویی

علاوه بر ویژگی‌های درون ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز در گرایش به روابط فرازشویی نقش دارد. از جمله این صفات شخصیتی می‌توان به خودشیفتگی، سبک‌های دل‌بستگی و عزت نفس اشاره کرد:

۷-۲-۱. خودشیفتگی

افراد خودشیفته، بیشتر احتمال دارد روابط فرازنشویی شوند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که عشق بازی، از جمله ویژگی‌های افراد خودشیفته است. افرادی که به آرام کردن من ضعیف و بدکارکردی روانی و تقویت عزت نفس نیاز دارند. این افراد در دیدن موانع خیانت ناتوان هستند؛ زیرا فقط می‌توانند نیازهای خودشان را ببینند و فکر می‌کنند که هیچ دلیلی مبنی بر برآورده نشدن این نیازها وجود ندارد، حتی اگر دیگران در این فرآیند آسیب ببینند. به عبارتی می‌توان گفت به دلیل تأکید بیش از حد به برآورده شدن نیازهای خود، برای آنها مسائلی مانند تعهد به تلاش برای بهبود رابطه، توجه به احساس طرف مقابل و مواردی مانند اینها، در اولویت نیستند. (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۸۷)

۷-۲-۲. سبک دلبستگی

حوزه دیگری که در ارتباط با روابط فرازنشویی توجه روبه رشدی را به خود معطوف کرده، نظریه دلبستگی است. دلبستگی، پیوندی عاطفی است که افراد را نسبت به پایداری در روابط متعهد می‌کند. مسائل مربوط به دلبستگی، جنبه‌های مختلف روابط فرد از جمله بعد عاطفی، تحمل فشارهای روانی و رفتار مراقبتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعه‌های مختلف در حوزه خیانت، بیانگر آن است که افراد با سبک دلبستگی ایمن، کمترین تمایل را به روابط فرازنشویی دارند؛ زیرا از بودن در رابطه زناشویی شان احساس آرامش و اطمینان دارند. از طرفی، افراد با سبک دلبستگی ناایمن و اجتنابی، بیشترین کشش را به داشتن روابط فرازنشویی دارند. (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۸۷)

۷-۲-۳. عزت نفس

افراد با عزت نفس پایین، بیشتر احتمال دارد در روابط فرازنشویی قرار بگیرند؛ زیرا از خیانت، به عنوان راهی برای افزایش عزت نفس خود استفاده می‌کنند. افرادی که عزت نفس ندارند، محکم نبوده و قدرت نه گفتن ندارند. آنها برای شخصیت خود احترامی قائل نیستند، به همین نسبت، مستعد خیانت به همسر خود هستند. افراد با عزت نفس پایین، تصویر خوبی از خود در ذهن ندارند. این افراد برای حفظ و تقویت عزت نفسشان، می‌کوشند تا از طریق رفتارشان نشان دهند که عزت نفسشان بالاست و در این زمینه مشکلی ندارند. این دسته از افراد، به دنبال روابطی خارج از سیستم خانواده هستند تا خودشان را اثبات کنند. (شیردل، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰)

۷-۲-۴. عوامل روانشناختی

وضعیت روانی فرد مانند افسردگی، اضطراب، تحریف‌های شناختی، اختلال‌های شخصیت یا دیگر

تشخیص‌های روان‌پزشکی، می‌تواند بر نحوه برقراری رابطه بین زوجین و حل مشکلاتشان تأثیر بگذارد. اینها عوامل خطرسازی برای خیانت هستند که فرد در برخی موارد برای منحرف کردن توجه خود از علایم ناخوشایند چنین اختلال‌هایی، خیانت می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۶)

۷-۲-۵. عوامل زیست‌شناختی

اطلاعات زیست‌شناختی مانند سن، وضع سلامتی، بیماری جسمی، تجویز و استفاده از دارو، همواره باید مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا می‌تواند به عنوان عامل خطرزایی برای وقوع خیانت عمل کند. عوامل زیست‌شناختی، زمینه جسمانی برای محرک‌های روانشناختی مانند بحران میانسالی، کهولت، یائسگی و مشکلات جنسی، اختلال نعوظ و یا سردی جنسی را فراهم می‌کند. در برخی موارد نیز این عوامل زیست‌شناختی، می‌تواند بر انگیزاننده بحران‌های روانشناختی، تکانش‌گری، عزت‌نفس پایین و یا واکنش‌های عاطفی باشد که آسیب‌پذیری نسبت به خیانت را افزایش می‌دهد. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۷)

۷-۲-۶. نگرش‌های سهل‌گیرانه در مورد روابط فرازنشویی

افرادی که نگرش سهل‌گیرانه‌تری در مورد خیانت دارند، و نیز آنها که تمایل شدیدی به داشتن رابطه جنسی دارند، به احتمال بیشتری، خیانت می‌کنند. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

۷-۲-۷. اعتقادات مذهبی سست

مذهب، به عنوان عاملی نگهدارنده عمل می‌کند و نقش باورهای مذهبی را در جلوگیری از خیانت، نمی‌توان انکار کرد. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۸۶)

۷-۲-۸. تجارب جنسی گذشته

مشکلی که امروزه دامنگیر تمام جوامع جهانی شده، تجارب جنسی افراد قبل از تعهد به رابطه زناشویی است. تحقیقات نشان می‌دهند که این تجارب نیز به طور مثبتی، با روابط فرازنشویی در ارتباط هستند. یکی از دلایل بروز خیانت برای افرادی که تجربه جنسی داشته‌اند این است که این افراد، از روابط قبلی خود انتظارات شکل گرفته شده‌ای دارند که آنها را با خود به رابطه کنونی می‌آورند. در نتیجه، شریک کنونی خود را با شرکای قبل مقایسه می‌کنند. به عبارت بهتر، این تجارب، به ملاک‌هایی بدل می‌شود که طرف دوم رابطه جنسی، به واسطه تفاوت شخصیتی، قادر به ساختن آنها نیست. بنابراین، فرد در ذهن خود به قیاس روی آورده و روابط قبلی می‌تواند به مانند چالشی منفی برای رابطه عمل کرده ریشه رابطه را بخشکاند. (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

رضایتمندی بیشتر از ایجاد روابط خارج از زناشویی با همکاران خود نسبت به سایر افراد منطقه سکونت، میزان روابط جنسی خارج از ازدواج در میان ساکنین مناطق شهری را افزایش می‌دهد. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۴۱)

۸. علت خیانت زنان و مردان

دلایل متفاوتی برای برقراری رابطه با فردی غیر از شریک زندگی در بین افراد وجود دارد که می‌تواند شامل انتقام، خستگی از رابطه، جست و جوی روابط تازه جنسی، اعتیاد به رابطه جنسی و ... باشد. متخصصان می‌گویند که در بیشتر مواقع، انگیزه افراد بر اساس جنسیت متفاوت است. به طوری که مردان، بیشتر به دنبال رابطه جنسی و توجه و زنان، به دنبال پرکردن خلأ عاطفی هستند. زنان، به دلیل احساس تنهایی و نداشتن ارتباط صمیمی با همسر و احساس اینکه مورد استفاده قرار می‌گیرند، وارد رابطه‌ای دیگر می‌شوند. بنابراین، جست و جوی رابطه‌ای عاطفی می‌تواند یکی از دلایل آنها برای روابط فرازناشویی باشد. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۴۵)

۹. عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان

۱-۹. علل فردی

کمبودهای عاطفی، هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی، تمایلات جنسی بالا، نیاز به جلب توجه و ضعف اعتماد به نفس، ویژگی‌های شخصیتی. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶)

۲-۹. علل خانوادگی و زناشویی

ازدواج تحمیلی، دل‌زدگی زناشویی، احساس تنهایی، سرخوردگی و تنفر از شوهر، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، عدم تحقق انتظارات از ازدواج، دوران متشنج کودکی، انتقام از شوهر. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷)

۳-۹. علل اجتماعی

دشواری طلاق و پیامدهای سنگین آن برای زنان، تغییر نگرش زنان نسبت به بی‌وفایی. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹)

۱۰. عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی در مردان

۱-۱۰. علل فردی

نگرش مثبت به روابط خارج ازدواج، تنوع طلبی و هیجان خواهی، تمایلات جنسی بالا، نیاز به اثبات مردانگی، ضعف اعتماد به نفس. (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۹۲)

۲-۱۰. علل خانوادگی و زناشویی

ازدواج تحمیلی، اختلافات و درگیری‌های زناشویی، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، سابقه بی‌وفایی در میان اعضای خانواده، وابستگی همسر و عدم نگرانی از افشای روابط. (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۹۳)

۳-۱۰. علل اجتماعی

نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان، سوء استفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت توسط مردان، ترغیب زنان قربانی بی‌وفایی به تداوم زندگی مشترک. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱) نارضایتی جنسی را می‌توان اصلی‌ترین عامل خیانت دانست (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱).

۱۱. تأثیر روانشناختی رضامندی زناشویی

افزایش زمینه‌های تحریک جنسی که به ویژه با گسترش ابزارهای جدید تکنولوژی بیشتر شده است، به افزایش آستانه رضامندی جنسی انجامیده است. در این صورت، با وجود برقراری رابطه جنسی متعارف با همسر، رضامندی جنسی حاصل نمی‌شود. نتیجه این نارضایتی، تمایل به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج با افراد متعدد یا به شیوه‌های نامتعارف مثل خشونت جنسی و... است. (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۳۰)

رضامندی یا نارضامندی از زندگی زناشویی، نقش مهمی در سلامت یا بیماری روانی زوجین دارد. نارضامندی زناشویی، افسردگی، اختلالات تغذیه و بیماری‌های جسمانی و روانی همسران را به همراه دارد. رضامندی زناشویی، با کاهش خطر ابتلا به افسردگی همراه است. همسران ناسازگار، علاوه بر اینکه افسرده‌تر هستند، رفتاری خصمانه‌تر و خلقی مضطرب‌تر دارند. (جدیری، ۱۳۹۳، ص ۳۳)

۱۲. برخی عوامل نارضایتی جنسی

۱-۱۲. روابط خانوادگی آشفته

در زندگی زناشویی، به تدریج و به علل گوناگون، تنش و آشفته‌گی در روابط خانوادگی زن و مرد دیده می‌شود. این آشفته‌گی هر چه شدت یابد، میزان رضایت جنسی طرفین کم می‌شود؛ زیرا این آشفته‌گی، با ایجاد احساسات منفی و کاهش تعداد دفعات رابطه جنسی همراه می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۸)

۲-۱۲. بی‌توجهی به تمایلات و نیازهای یکدیگر

یکی از انگیزه‌های ازدواج، برطرف کردن نیازهای فردی از جمله نیازهای جنسی است. بیشتر نارضایتی‌های زوجین نیز ریشه در برطرف نشدن نیازهایشان دارد. در بیشتر موارد، یکی از همسران سعی می‌کند نیازهای دیگری را برطرف کند، اما دیگری از نیازهای او غافل بوده یا نمی‌داند چطور آنها را برطرف کند. بسیار اهمیت دارد که زوج‌ها نیازهایشان را به فرد مقابل، یعنی همسر خود گفته و سپس از نحوه رفع نیازهایش نیز به وی بگویند. این عمل موجب افزایش احساس علاقه و رضایت بیشتر طرفین می‌شود.

متأسفانه به علت ناآگاهی برخی از زوج‌ها و عدم توجه صحیح به نیازهای خاص طرفین، یکی از دو طرف لذت کافی را از رابطه جنسی نمی‌برد و به دلایل گوناگون، به خصوص زنان، از بیان این نیازها خودداری می‌کنند که باعث کاهش تمایل و میل جنسی در نهایت نارضایتی جنسی می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵۹)

۳-۱۲. تأثیر مسائل و مشکلات روزمره

زوج‌ها به علت برخورداری از گرمی و حرارت فراوان در ابتدای زندگی، به رابطه جنسی خود و کسب رضایت از آن بسیار اهمیت می‌دهند و برای افزایش لذت جنسی، وقت زیادی می‌گذارند، اما به تدریج، حل شدن در روزمرگی‌هایی مانند اشتغال، تحصیل، فرزند پروری و ...، رابطه جنسی کم رنگ می‌بازد و ارزش خود را از دست می‌دهد. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۶۱)

۴-۱۲. فقدان معلومات جنسی

در جامعه کنونی، مسائل جنسی تابو محسوب می‌شوند. بنابراین، افراد از همان ابتدای کودکی، معلومات کم و حتی اشتباهی را دریافت می‌کنند. با حجم وسیعی از اطلاعات ناقص و اشتباه، ناآگاهانه وارد رابطه جنسی زناشویی می‌شوند که نتیجه آن، رابطه با کیفیت پایین و در نهایت عدم رضایت کافی از رابطه می‌شود. (جدیری، ۱۳۹۱، ص ۴۸)

۱۲-۵. رابطه عاطفی ضعیف با همسر

برخی افراد به خصوص آقایان، رابطه زناشویی را فقط در عمل جنسی کامل خلاصه می‌کنند. این در حالی است که برای افزایش تمایل و رضایت جنسی، ارتباط عاطفی در طول زندگی مشترک لازم و ضروری است. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۰)

۱۲-۶. پیدایش احساس گناه حین مقاربت

برخی افراد به اشتباه، عملکرد رابطه جنسی را فقط در تولید مثل خلاصه کرده و این عمل را زشت و ناپسند می‌دانند که فقط باید بنا بر ضرورت صورت پذیرد. این تفکرات افراطی، باعث می‌شود در حین و بعد از مقاربت جنسی، احساس لذت و رضایت نکنند. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۱)

۱۲-۷. ترس از ارضا نشدن همسر

در بین برخی همسران، یکی از طرفین به علت نگرانی و مشغولیت ذهنی بیش از حد برای ارضای مناسب و کافی همسر خود، بردیافت و ارضای نیازهای جنسی خود کمتر توجه کرده و فقط نیازهای طرف مقابل را در نظر می‌گیرد که این رفتار، باعث عدم رضایت جنسی وی می‌شود. (شیردل، ۱۳۸۵، ص ۲۲)

۱۲-۸. تجارب نامطلوب در اولین رابطه جنسی

برخی افراد بعد از ازدواج تصور می‌کنند که باید نخستین رابطه جنسی را به طور کامل تجربه کنند. این مسئله فشار روانی شدیدی را به طرفین وارد می‌کند. بر اثر همین فشار روانی، رابطه به درستی و با لذت برقرار نشده و خاطره بدی را برایشان به جا می‌گذارد و ممکن است باعث شود به توانایی جنسی خود شک کرده از رابطه جنسی زده شوند. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۸۶)

از طرف دیگر رابطه جنسی رضایتبخش، از هویت جنسی سالم زوج نشأت می‌گیرد. هویت جنسی به فراوانی، شدت و کیفیت ابراز احساسات جنسی در رابطه بین زن و شوهر گفته می‌شود. این وظیفه، نوعی پیوند و نزدیکی احساس را در زوج ایجاد می‌کند. زوج‌ها باید بتوانند بین نیازهای جنسی و چگونگی ابراز آن، تعادل ایجاد کنند تا در نتیجه امر دچار نارضایتی نشوند. (نظری، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

۱۳. پیامدهای روابط فرازناشویی

۱۳-۱. پیامدهای فردی

احساس گناه و طرد شدن، دستگیری و زندان، طلاق، از دست دادن آبروی خود خانواده،

بهره‌کشی جنسی و عاطفی. از دست دادن وجهه اجتماعی. (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

۱۳-۲. پیامدهای خانوادگی-زناشویی

اعتماد و اطمینان همسر را از دست دادن، بی‌اعتمادی و سوء ظن به همسر، بی‌توجهی به نیازهای همسر و فرزندان، تنش‌های خانوادگی و طرد شدن. (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۹۶)

۱۳-۳. پیامدهای اجتماعی

افزایش انحرافات اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی، ایجاد نگرش منفی به ازدواج و خانواده. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱)

۱۳-۴. فروپاشی نظام خانواده

زیاد شدن روابط خارج از ازدواج و بی‌بندوباری‌ها و خیانت‌ها در خانواده‌ها و ارضای نیازهای جنسی در خارج از چارچوب خانواده، سبب تزلزل خانواده‌ها و از همپاشی آنها می‌شوند. (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۲)

۱۳-۵. ابتذال زنان

هرچه این خیانت‌ها زیاد شوند و زنان روابط خارج از ازدواج را به رابطه با همسر خود ترجیح دهند، این عمل برایشان زیبا تصور شده و دیگر ابایی از انجام آن ندارند و ممکن است دامنه این روابط، گسترده‌تر شوند و آنها بخواهند مردان جدید و تجربه‌های جدیدتری نیز داشته باشند که باعث به ابتذال کشیده شدن آنها و فساد می‌شود. (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۷۱)

۱۳-۶. شیوع بیماری‌های مسری

احتمال آلودگی به ایدز و دیگر بیماری‌هایی که انتقالشان از طریق دستگاه جنسی است و نیز سقط جنین‌های ناایمن افزایش می‌یابد. (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۷۱)

۱۳-۷. افزایش سقط جنین

روابط غیررسمی و آبستنی‌های ناخواسته، راهی است که در پایان به موالید نامشروع یا سقط جنین می‌انجامد. به بیان دیگر، سقط جنین در کنار تولد موالید نامشروع، آخرین ایستگاهی است که روابط آزاد به آن منتهی می‌شود. از این رو در کنار شمار روز افزون موالید نامشروع، آمار سقط جنین همواره رو به افزایش بوده است. (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۷۳)

۱۳-۸. افزایش فرزند نامشروع

بی‌شک موالید نامشروع، بدیهی‌ترین پیامد روابط غیررسمی است. فلسفه و قبح این روابط نامشروع، چه از نظر عقلی و علمی و چه از منظر دین آشکار است، به طوری که همه ادیان و ملل و مذاهب، آن را قبیح شمرده‌اند. (حاتمی کاسوایی، ۱۳۹۴، ص ۱۷) در اثبات این امر، میتوان به این سخن از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ اشاره کرد: «لُكِّلَ قَوْمٌ نِكَاحًا؛ از برای هر قوم و ملتی نکاحی و ازدواجی است». (طوسی، ۱۴۱۷، ۷/ ۴۷۲) از این حدیث شریف معلوم می‌شود که این نوع روابط نامشروع، در همه ادیان و همه ملل و اقوام حرام و مورد نکوهش و مذمت بوده است (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

۱۴. نتیجه‌گیری

تغییرات پیش آمده در زندگی خانوادگی و آمار رو به افزایش روابط خارج از چارچوب خانواده، تبعاتی برای زندگی اجتماعی دارد، از جمله زوال و نابودی بنیان خانواده‌ها. بر اساس این تحقیقات، تغییراتی که در زندگی خانوادگی رخ داده از جمله افزایش نرخ ازدواج‌های غیررسمی، روابط خارج از ازدواج، طلاق، افزایش بی‌بندوباری و فحشا، افزایش موالید نامشروع و بسیاری بیماری‌های مقاربتی خطر ساز موجب فروپاشی خانواده خواهد شد. از آنجا که خانواده مقتدر، بنیان جامعه مقتدر است، عقیده بر آن است که فروپاشی خانواده، به فروپاشی جامعه منجر می‌شود.

فهرست منابع

۱. احمدی، خدابخش (۱۳۸۸). کتاب جامع زوج درمانی. تهران: دانژه.
۲. جدیری، جعفر (۱۳۹۱). هیجان و رضایتمندی زناشویی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳. حاتمی کاسوایی، وحید (۱۳۹۴). طلاق و رایب زناشویی. تهران: لوح محفوظ.
۴. حسینی، شمس‌الدین (۱۳۸۷). عشق ازدواج و ارتباط جنسی. تهران: اوحدی.
۵. حق شناس، جعفر (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی خانواده. تهران: مرکز امور زنان و خانواده.
۶. خلیلی، حمزه (۱۳۹۰). طلاق (حقوقی، اجتماعی). قم: ابتکار دانش.
۷. شیردل، ملیحه (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی. رفاه اجتماعی. شماره ۲۲. یجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. فتحی، منصور (۱۳۹۴). بی‌وفایی در روابط زناشویی. تهران: رشد.
۹. کاوه، سعید (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت: بررسی عوامل موثر شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران. تهران: نشر سخن.
۱۰. کیهان‌نیا، سیدعلی (۱۳۸۶). زن امروز مرد دیروز. تهران: نشر مادر.
۱۱. موسوی، سیدعلی (۱۳۸۱). آثار سوء روابط نامشروع. تهران: حافظ نوین.
۱۲. مؤمنی جاوید، مهرآور (۱۳۹۳). روابط فرازناشویی. تهران: شباهنگ.
۱۳. نظری، علی محمد (۱۳۹۱). زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: علم.
۱۴. هاروی، مایکل (۱۳۹۵). زوج درمانی. مترجم: احمدی، خدابخش، اخوی، زهرا. تهران: دانژه.